

تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب از منظر گروه قومی آذری (مورد مطالعه: شهروندان آذری شهر تبریز)

جواد شیخی^۱

سیف‌اله سیف‌اللهی^۲

علیرضا کلدی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۴/۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۹/۴/۱

DOI: 10.30495/jss.2020.585878.1143

چکیده

تحقیق حاضر به دنبال آن است تا با توسل به برقراری رابطه نظری بین گروه‌های قومی و حکمرانی خوب، نگرش گروه قومی آذری (مطالعه موردی: شهروندان آذری شهر تبریز) را در ارتباط با میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در بعد سیاسی، مورد تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی قرار دهد. پس از مرور پیشینه و ادبیات نظری، چارچوب نظری تدوین و شاخص‌های ششگانه حکمرانی خوب طی نظرخواهی از نخبگان احصاء گردیدند. جامعه آماری تحقیق، ۱۱۲۰۳۵۷ نفر شهروندان آذری بین ۱۸ تا ۶۵ سال ساکن تبریز هستند که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۴۴۸ نفر از آنان به تناسب جمعیت مناطق ده‌گانه شهرداری تبریز و به روش نمونه‌گیری احتمالی چند مرحله‌ای در نمونه آماری قرار گرفتند و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه در قالب روش پیمایش جمع‌آوری گردیدند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نشان داد در میان شش شاخص برگزیده، شاخص «مسئولیت-پذیری و پاسخگویی سیاسی» از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده ولیکن تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در بخش مهمی از آن به ویژه «حاکمیت قانون» و «تضمین و تکریم حقوق و آزادی‌های سیاسی» با مشکل جدی روبرو است؛ به طوری که تنها ۲۶/۵ درصد از پاسخگویان معتقد به تحقق‌پذیری کامل آن هستند. علاوه بر این، بین متغیر مستقل هویت‌پذیری قومی و متغیر زمینه‌ای پایگاه اقتصادی-اجتماعی با ارزیابی افراد از میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب همبستگی معنی‌دار و معکوس وجود دارد؛ ولیکن هیچ رابطه/تفاوت معنی‌داری بین سن، جنسیت با ارزیابی افراد از میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب به دست نیامد. واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، گروه‌های قومی، هویت قومی، گروه قومی آذری.

۱. دانشجوی مقطع دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

E-mail: j.sheikhi@srbiau.ac.ir

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: rped_almizan@yahoo.com

۳. استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های ناظر بر پیشرفت و توسعه پایدار، همواره به عنوان یکی از کارویژه‌های دولت‌ها و مطالبات جدی جوامع کنونی پیگیری می‌گردد. مطالعه تاریخ سیاسی اجتماعی جوامع، موید آثار متعدد از تلاش‌ها و کوشش‌هایی است که در این زمینه صورت گرفته است که البته بسیاری از آن‌ها توفیق درک نتایج مطلوب را نداشته‌اند. بر این اساس، مبحث توسعه^۱ در نظام بین‌الملل در عصر کنونی به مقوله‌ای اجتناب‌ناپذیر، انکارناپذیر و جزو اهداف عمومی همه کشورها تبدیل شده است.

توسعه در تعریف به «کوششی گفته می‌شود که در جامعه انجام می‌گیرد به گونه‌ای که به سبب آن، توانائی‌های مادی و غیرمادی افراد در جامعه افزایش پیدا می‌کند؛ به این معنا، توسعه در اصل ایجاد توانائی است» (جلائی‌پور، ۱۳۹۵). از طرفی، «توسعه نوع یا حالتی از دگرگونی اجتماعی^۲ است که انسان برای دستیابی به نیازها و خواسته‌های خود در محیط ایجاد می‌کند» (سیف‌اللهی، ۱۳۹۵: ۹۴). در پی ناکارآمدی ساز و کارهای پیشین توسعه، حکمرانی خوب^۳ از جمله مباحث مهم و جدیدی است که از اواخر دهه ۱۹۸۰ به بعد وارد ادبیات توسعه گردید. این موضوع به خصوص در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (آرانی، ۱۳۸۸ و قلی‌پور، ۱۳۸۳: ۸۶). به عبارت دیگر، حکمرانی خوب در مقام یک نظریه یا خطمشی یا انگاره^۴ از جدیدترین مباحث توسعه در جهان کنونی به شمار می‌آید؛ تا جایی که بسیاری از نهادهای مهم بین‌المللی، با تمسک به ادبیات گوناگون، آن را کلید حل معمای توسعه خوانده‌اند و ضمن پیشنهاد آن به کشورهای هدف، حکمرانی خوب را به عنوان الگوی ارزیابی‌های خود از این کشورها قرار داده‌اند. در مجموع، امر «توسعه» به عنوان دینامیسم و «حکمرانی خوب» در مقام مکانیسم آن، موقعیت برجسته‌ای را در نظام بین‌الملل به خود اختصاص داده‌اند.

قاعده‌محوری یا همان توجه به خواست‌ها، مطالبات و وجه‌نظرهای گروه‌های اجتماعی، یکی از وجوه متمایز و نقطه قوت الگوی حکمرانی خوب محسوب می‌گردد. با توجه به ساخت فرهنگی، جمعیتی، جغرافیائی و اقلیمی ایران، قدر مسلم گروه‌های قومی^۵ به عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی، از جمله واقعیت‌های کشورمان محسوب می‌شوند که همواره می‌بایست در برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت کلان کشور مد نظر قرار گیرند. گروه‌های قومی از بدو شکل‌گیری نهاد دولت در ایران، همواره دغدغه حضور، نفوذ یا تاثیرگذاری در حیات سیاسی را داشته و دارند. بر این اساس، میزان تحقق‌پذیری شاخص‌های حکمرانی

^۱. Development

^۲. Social Changes

^۳. Good Governance

^۴. Paradigm

^۵. Ethnic Groups

خوب متناسب با علائق گروه‌های قومی، از جمله جنبه‌های بحث‌انگیز و مبهم آن می‌باشد. در این میان، گروه قومی آذری به جهت جمعیت و پراکندگی، وسعت جغرافیائی تحت پوشش اعضای این گروه قومی، مجاورت و قرار گرفتن توأم در مسیر اشاعه افکار و اندیشه‌های لیبرالیستی و کمونیستی، هم‌چنین طرح مسائل مربوط به قوم‌گرایی و در نهایت نقش بی‌بدیلی که آذری‌ها در تحولات مهم سیاسی یک صد سال اخیر در ایران از خود به جای گذاشته‌اند؛ به طور یقین مهم‌ترین، با نفوذترین و تاثیرگذارترین گروه قومی کشور بوده و همگی این‌ها می‌طلبند تا علائق و نظرگاه و ارزیابی این گروه قومی در ارتباط با میزان تحقّق‌پذیری حکمرانی خوب در ایران مورد تحلیل و تبیین علمی قرار گیرد.

قلمرو مطالعاتی تحقیق

قلمرو مکانی در این تحقیق، جامعه قومی آذری در ایران است ولیکن شهر تبریز به عنوان نمونه نمادین در ارتباط با گروه قومی آذری برای بررسی میدانی انتخاب شده است. قلمرو زمانی تحقیق به سال ۱۳۹۷ ه.ش محدود می‌شود. به جهت قلمرو نظری، موضوع تحقیق به جامعه‌شناسی سیاسی^۱ و جامعه‌شناسی قومیت^۲ و گروه‌های قومی ارتباط پیدا می‌کند. موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی بررسی تاثیر و تاثرات ساخت اجتماعی و ساخت سیاسی بر یکدیگر است که در آن تاکید بر تاثیر ساخت اجتماعی بر ساخت سیاسی بوده و در واقع بررسی ساخت اجتماعی، شکاف‌ها، نیروها و گروه‌های اجتماعی برخاسته از آن، نقطه عزیمت مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی محسوب می‌گردد. جامعه‌شناسی قومیت و گروه‌های قومی نیز حوزه‌ای از جامعه‌شناسی است که به مطالعه و بررسی روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گروه‌های قومی و نژادی، هم‌چنین مفهوم هویت قومی می‌پردازد.

مروری بر پیشینه تحقیق

رحمت‌اله قلی‌پور در کتاب خود با عنوان «حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت» و همزمان با آن طی انتشار مقاله‌ای علمی پژوهشی با عنوان «تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نقش دولت»، عنوان می‌کند که ساز و کارهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی ج.ا. ایران موید تلاش نظام‌مند در جهت تحقّق دموکراسی، مشارکت، پاسخگوئی و عدالت اجتماعی در جامعه و ناشی از نظام جمهوری ایدئولوژیک می‌باشد. وی در ادامه به امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب با تاکید بر ابعاد مذکور در ساخت دولت در ایران پرداخته و نهایتاً پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، سطح دموکراسی، مشارکت، پاسخگوئی، عدالت و اثربخشی را در ساختار دولت، ضعیف ارزیابی می‌کند (قلی‌پور، ۱۳۸۷ و قلی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۸۳).

^۱. Political Sociology

^۲. Sociology of Ethnicity

سیدمهدی الوانی و محسن علیزاده‌ثانی در مطالعه خود با عنوان «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران»، بر این باورند که هر یک از معیارهای حکمرانی خوب مشتمل بر مشارکت، پاسخگوئی، عدالت و برابری، توسعه انسانی و کارائی و اثربخشی دولت، به گونه‌ای در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته و در عرصه عمل نیز هرچند با فراز و نشیب، ولیکن شاهد بهبود این شاخص‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بوده‌ایم (الوانی و علیزاده، ۱۳۸۷).

رهنورد و عباسپور در مطالعه‌ای با عنوان «حاکمیت خوب و امکان پیاده‌سازی آن در ایران»، بر این عقیده‌اند که ویژگی برجسته و پایدار نظام سیاسی در ایران، اسلامیت حکومت آن است و نکته کلیدی در کاربرد حاکمیت خوب تا حدودی به ماهیت روابط بین نهادهای اسلامی و جامعه مدنی بستگی دارد. بر این اساس، ماهیت روابط بین دولت و مردم در ایران به گونه‌ای است که دولت‌ها در ایران با فشارهای مردمی زیادی همانند جوامع دمکراتیک مواجه نیستند؛ چرا که اولاً حکومت ماهیت اسلامی دارد و تقاضاهای خارج از چارچوب اسلامی را نمی‌پذیرد و در ثانی توده‌های مردم از سازماندهی مناسب برای تبیین خواسته‌های خود برخوردار نیستند. نویسندگان، موارد فوق را به عنوان عوامل بازدارنده برای استقرار حاکمیت خوب در ایران می‌دانند (رهنورد و عباسپور، ۱۳۸۶: ۳۸-۲۵).

زارعی در پژوهشی با عنوان «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، به مطالعه نظری در باب حکمرانی خوب پرداخته و کوشیده است با توجه به حاکمیت سیاسی در ایران، امکان تحقق این شکل از حکمرانی در ایران مورد بررسی قرار دهد. وی در پایان به این نتیجه رسیده است که حاکمیت سیاسی در ایران از نظریه حکمرانی خوب فاصله گرفته است (زارعی، ۱۳۸۳: ۶۸).

محمدجواد رزمی و همکاران در مطالعه خودشان با عنوان «الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی»، با به کارگیری روش تحلیل ثانویه و مراجعه به داده‌های بانک جهانی، شش شاخص حکمرانی خوب را در ایران در فواصل سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۶ میلادی مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد جامعه مدنی ایران در موضع ضعف قرار گرفته است و دولت نیز به دلیل ویژگی‌های ساختاری، از وضعیت قوی مدرن توسعه‌خواه فاصله دارد. علاوه بر این، مقایسه‌های صورت گرفته بیانگر وضعیت نامناسب ایران از حیث حکمرانی خوب در بازه زمانی مورد مطالعه می‌باشد؛ به عبارتی دیگر، شاخص‌ها موید آن هستند که ایران از کیفیت نهادی پائین برخوردار است؛ و این همه عوامل عدم دستیابی به اهداف توسعه‌ای در ایران را فراهم ساخته است (رزمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۵-۵۱).

علیرضا زهیری در مطالعه‌ای با عنوان «نسبت‌سنجی بوم‌شناسانه الگوی حکمرانی خوب»، به این نتیجه رسیده‌اند که ظرفیت‌های ایدئولوژیک و قانونی در ایران به ویژگی‌های الگوی حکمرانی خوب توجه کافی داشته‌اند؛ اما از یک سو مشکلات مفهومی و از سوی دیگر ضعف ساختاری و کارکردی دولت در ایران، زمینه‌های بروز و ظهور این الگو را ناهموار ساخته است (زهیری، ۱۳۹۴: ۱۰۹).

مهرداد سه‌گانه در پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد خود با عنوان «ارزیابی وضعیت حکمرانی خوب در نظام اداری ایران از منظر نخبگان»، با استفاده از الگوی مطرح شده در بانک جهانی، به مطالعه وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب در نظام اداری ایران از منظر خبرگان نظام اداری می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد در پنج شاخص مشتمل بر حق اظهار نظر و پاسخگویی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، نظام اداری ایران در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و تنها در شاخص ثبات سیاسی و نبود خشونت، فرضیه مطلوب بودن نظام اداری تایید شده، ولی با حد ایده‌آل فاصله زیادی دارد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد در این بررسی بین نظرات مردان و زنان، اختلافی وجود ندارد. علاوه بر این، تفاوت سنی و میزان تحصیلات خبرگان مورد مطالعه، در دیدگاه آنان نسبت به حکمرانی خوب و شاخص‌های آن در نظام اداری ایران اثری نداشته است (سه‌گانه، ۱۳۹۴).

مبانی نظری تحقیق

«حکمرانی به واژه یونانی^۱ توسط افلاطون در رابطه با چگونگی طراحی نظام حکومت^۲ استفاده شده است. این اصطلاح در فرهنگ فشرده آکسفورد مترادف با واژه حکومت^۳ و هم‌چنین اداره^۴ یا وظیفه^۵ حکم راندن است» (هداوند، ۱۳۸۴: ۵۲). هم‌چنین، «حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور آمده است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اشاره دارد» (میدری، ۱۳۸۲: ۹۴).

حکمرانی^۶ را نباید با حکومت^۷ یکسان انگاشت. حکومت کانون یا مرکز ثقل یک سیستم سیاسی است. حکومت نهادی اجتماعی است که مدعی کاربرد انحصاری و قانونی زور در جامعه است و از این ابزار برای وادارکردن اعضای جامعه به اجرای قوانین و مقررات آن جامعه در یک محدوده جغرافیایی معین (ژئوپولیتیک) استفاده می‌کند (عضدانلو، ۱۳۸۶: ۲۶۶-۲۶۴). حال آن که، حکمرانی به پویاها یا فرایندهای تصمیم‌گیری، چگونگی کاربرد قدرت و چند و چون روابط دولت و شهروندان (افراد و گروه‌ها) اشاره دارد (پلیومپتر^۸، ۱۹۹۹: ۳؛ به نقل از سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۳۵). میدری معتقد است «اگر پرسش اصلی ما ناظر بر این باشد که در رابطه‌ای که بین مردم به عنوان کارفرمایان حکومت و کارگزاران حکومت هست چه شرایطی باید وجود داشته باشد تا نتیجه مطلوب حاصل شود؟ اساساً وارد بحث حکمرانی شده-ایم؛ ولیکن این بحث در زمینه دولت «حکمرانی خوب» نامیده می‌شود» (میدری، ۱۳۸۲: ۱۴۵).

^۱. Kybernetes و Kybernan

^۲. System of rule

^۳. Governing

^۴. Office

^۵. function

^۶. Governance

^۷. Government

^۸. Plumptre

اصطلاح حکمرانی خوب برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ توسط ویل ام سون^۱ در ادبیات اقتصادی به کار رفت (قاضی طباطبائی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۴)، و از دهه ۱۹۹۰ به این سو، مورد توجه محافل آکادمیک و دانشگاهی قرار گرفت (پلیومپتر، ۱۹۹۹: ۲؛ به نقل از سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۳۵). در واقع صورت-بندی شفاف و کاربرد گسترده مفهوم حکمرانی خوب به دهه ۱۹۹۰ میلادی باز می‌گردد (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۳۳). این واژه بعدها علاوه بر بعد اقتصادی، بعد سیاسی نیز پیدا کرد (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸: ۸۶ و میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۶). لذا حکمرانی خوب را می‌توان «معطوف به یافتن الگو و ترکیب جدیدی از همکاری و مشارکت هر سه بخش: دولت (یا حکومت)، جامعه مدنی و بخش خصوصی دانست. به عبارتی، حکمرانی خوب، دولت را در بر می‌گیرد اما با درگیر کردن دو بخش دیگر، از آن فراتر می‌رود (نادری، ۱۳۹۰: ۷۴-۷۳).

جدول شماره (۱): شاخص‌ها و اصول مترتب بر حکمرانی خوب از دید سازمان‌ها، نهادهای بین‌المللی و صاحب‌نظران

شاخص‌ها و اصول مطرح شده	سازمان‌ها و نهادهای بین-المللی و صاحب‌نظران
۱. پاسخگویی سازمانی، مدیریت بخش عمومی، شفافیت، حاکمیت قانون ۲. پاسخگویی حکومت، مشروعیت حکومت، حکومت قانون، قابلیت و توانایی حکومت، مسئولیت‌پذیری، اجماع، وجود دیدگاه استراتژیک میان رهبران و مدیران ۳. توسعه و تقویت نهادهای دموکراتیک (نهادهای دموکراسی)، فعالیت و مشارکت آزادانه و ناشی از انتخاب افراد در حوزه‌های مختلف، انتخابات، ایجاد ثبات و پایداری، تدارک چارچوب‌های قانونی مناسب و اثربخش، پاسخگویی، میانجی‌گری در مصالح عمومی، ارائه خدمات عمومی و فراهم‌سازی محیطی برای توسعه پایدار انسانی	UNDP(1997-2000)
۱. تخصیص کارآمد منابع ۲. رفع فقر ۳. رشد اقتصادی ۴. ایجاد اداره امور دولتی کارا و اثربخش ۵. ریشه کنی فساد	اتحادیه اروپا (۲۰۰۲)، و برنامه جامع کاهش فقر و استراتژی رشد در ویتنام (۲۰۰۲).
۱. اصالت تعامل دولت و شهروندان ۲. دولت‌ها بازیگر اصلی به شمار نمی‌آیند. ۳. وادار کردن دولت به پاسخگویی بیشتر در برابر نیازهای مردم ۴. نزدیک‌تر کردن دولت و مردم از طریق جلب مشارکت‌های گسترده‌تر ۵. تمرکززدایی	The World Bank (1997)
نظام شراکتی از طریق: ۱. دخالت دادن مردم در حکمرانی ۲. امکان توزیع قدرت ۳. تقویت نهادهای جامعه مدنی	قلی پور (۱۳۸۳)
الگوی تعاملی از طریق: ۱. دخالت بازیگران هر حوزه در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای آن ۲. کارکردهای هر یک از بخش‌ها در راستای یش‌برد سایر بخش‌ها	قاضی طباطبائی و همکاران (۱۳۹۱)
۱. پاسخگویی و حق اظهار نظر ۲. ثبات سیاسی و نبود خشونت ۳. کارایی و اثربخشی دولت ۴. کیفیت قوانین و مقررات یا همان تنظیم‌کنندگی ۵. حاکمیت قانون ۶. مهار فساد	سند سال ۲۰۰۶ بانک جهانی توسط داتیل کافمن، آرت کری و

^۱. Will M. Soun

مستراری	
کمیسیون اجتماعی و اقتصادی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه ^۱ کمیسیون حقوق ملل متحد	۱. مشارکت ۲. قانون‌مندی یا حاکمیت قانون ۳. شفافیت یا اطلاع‌رسانی ۴. مسؤولیت‌پذیری ۵. جهت‌گیری توافقی یا وفاق محوری ۶. عدالت و انصاف ۷. کارآیی (کارآمدی) و اثربخشی ۸. پذیرا بودن و پاسخگو بودن ۹. بینش راهبردی ۱۰. انعطاف‌پذیری
صفائی‌پور و دیگران (۱۳۹۲)	۱. تمرکززدانی ۲. تقویت آزادی بیان و مطبوعات
رهنورد و عباسپور (۱۳۸۶)	۱. توسعه‌گرایی و تعالی پایدار ۲. مشارکت‌جویی و شراکت‌گرایی ۳. ارزش‌گرایی ۴. قانون‌گرایی ۵. عدالت‌گرایی ۶. پاسخگویی
Huther & Shah (1993)	۱. آزادی سیاسی، ثبات و پایداری سیاسی ۲. کارآیی قضایی، کارآمدی اداری و فساد کم ۳. توسعه انسانی و توزیع عادلانه درآمد ۴. نگاه به بیرون، استقلال بانک مرکزی و برگشت سود نسبت به نرخ درآمد ناخالص داخلی.

منبع: (نگارندگان).

تفاوت‌های قومی و شکل‌گیری گروه‌های قومی و هویت قومی از مهم‌ترین وجوه تمایز یافتگی جوامع کنونی است. بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران، ساختار جمعیت ایران را ترکیبی متشکل از گروه‌های قومی توصیف (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۸)، و از آن با اطلاق واژه‌های کثیرالقوم^۲ و جامعه چند قومی^۳ یاد می‌کنند. «این نوع جوامع، جوامعی هستند که در آن‌ها چندین گروه قومی بزرگ وجود دارد. این گروه‌بندی‌ها در یک نظم سیاسی و اقتصادی مشارکت دارند، اما از جهات دیگر تا اندازه زیادی از یکدیگر متمایزند» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۲۸۷). الطائی قوم را با توجه به قومیت تعریف کرده می‌نویسد: «قوم یک گروه انسانی - نژادی است که از زبان و فرهنگ و روش زندگی و تمایز گروهی ویژه‌ای در چارچوب یک شاخه بزرگ نژادی برخوردار است؛ به قسمی که حتی از دیگر گروه‌های نژاد خود قابل تشخیص و تفکیک می‌گردد» (الطائی، ۱۳۸۲: ۱۵۸).

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان دو نوع هویت را از یکدیگر تفکیک و متمایز نمود: یکی هویت فردی^۴ و دیگری هویت جمعی^۵. بدیهی است که این دو نوع هویت با دو نوع رابطه اجتماعی همراه است. «هویت اجتماعی یک فرد به خصوصیات و مشخصات و تفکراتی اشاره می‌کند که فرد آن‌ها را از طریق اشتراکات اجتماعی، عضویت در گروه‌ها و مقوله‌های اجتماعی کسب می‌کند. این گروه‌ها و مقوله‌ها شامل نژاد، مذهب، قومیت، ملیت، جنسیت و احزاب سیاسی می‌شود. لذا فرد با گرفتن خصوصیات گروه، نسبت به آن احساس تعلق پیدا می‌کند. هویت اجتماعی یک فرد باعث ایجاد «ما» در برابر «آن‌ها» می‌شود (مهرمند، ۱۳۸۸: ۹۴-۹۵). هویت جمعی یا اجتماعی در چهار سطح قومی (محلی)، دینی، ملی و جهانی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. هویت قومی یا محلی اولین، خردترین و شاید ملموس‌ترین سطح تعلق و

^۱. United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific

^۲. Plural Ethnic

^۳. Multi Ethnic Society

^۴. Individual identity

^۵. Collective identity

وفاداری فردی و جمعی را تشکیل می‌دهد. اساس آن، حس بدیهی تعلق به فرهنگی مشترک است: ریشه‌ها و تاریخ مشترک، آداب و رسوم و زبان مشترک، سرزمین مشترک و به طور کلی شیوه زندگی مشترک (فکوهی، ۱۳۸۹: ۱۵۱).

تاجفل^۱ در «نظریه هویت اجتماعی» خود، هویت را عبارت از یک «خود» مفهومی ناشی از عضویت درون گروهی در یک گروه اجتماعی همراه با احساسات، ارزش‌ها و تماس‌های عاطفی با دیگر اعضا می‌داند که این احساس باعث تعلق فرد به گروه شده و همچنین موجب می‌شود که فرد خود را در دسته‌بندی‌های اجتماعی وابسته به گروه خود معرفی کند. بر طبق دیدگاه تاجفل، آن بخش از هویت ما که نشأت گرفته از گروهی است که به آن تعلق داریم (درون گروه)، به وسیله مقایسه و ترجیح افراد گروه خود نسبت به کسانی که در خارج از گروه هستند (برون گروه)، شکل می‌گیرد (چلیبی، ۱۳۷۵: ۲۲۶؛ به نقل از صباغ و شالفروش، ۱۳۸۷: ۷۸). بنا بر نظریه تاجفل، تعلق به یک گروه اجتماعی معین فقط در صورتی به مشارکت در یک هویت اجتماعی مثبت می‌انجامد که مشخصات آن گروه بتواند به طور جانبدارانه‌ای با دیگر گروه‌ها مقایسه شود. در این مقایسه، افراد به داوری به نفع گروه خویش گرایش دارند. خواست، ایجاد، نگهداری و یا افزایش تمایز مثبت به نفع درون گروه در مقایسه با برون گروه‌ها در ابعاد مربوط و تحت شرایطی که افراد خود را بر اساس عضویت‌هایشان معرفی می‌کنند نشان از نیاز به هویت اجتماعی مثبت دارد (ترنر^۲، ۱۹۹۹: ۸).

اسمیت^۳ در «نظریه هویت قومی» به تشریح ابعاد هویت‌ساز قومی می‌پردازد و آن را در شش بعد معرفی می‌کند (اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۸۹-۱۸۶).

سیف‌اللهی معتقد است به طور معمول در میان افراد و گروه‌های یک قلمرو جغرافیایی که دارای نژاد، زبان، آداب و رسوم مشترک باشند، نوعی همبستگی قومی شکل می‌گیرد. این همبستگی قومی به محض شکل‌گیری، نسبت به خودی «احساس همدردی» و نسبت به دیگران «احساس بیگانگی» ایجاد می‌کند. از دیدگاه علوم اجتماعی، احساس همدردی را می‌توان «همگرایی» و احساس بیگانگی را «واگرایی» تلقی نمود. وی بر این باور است که گسترش روابط اجتماعی، عامل مهمی است که افراد جامعه را به گروه‌های گوناگون تقسیم می‌کند (سیف‌اللهی، ۱۳۹۵: ۱۸۱).

چارچوب نظری تحقیق

دیدگاه مختار نگارندگان در بحث بنائی نظریه حکمرانی خوب، پذیرش نظریه به شرط توسعه نظری آن و توجه به شرایط و مبانی اجتماعی جامعه ایران می‌باشد. همچنین دیدگاه مختار نگارندگان در بحث

^۱. Tajfel

^۲. Turner

^۳. Antoni D. Smith

قومیت و هویت قومی، تلفیق نظریه‌های تاجفل، اسمیت و سیفاللهی است. بر این اساس چارچوب نظری تحقیق به صورت ذیل خواهد بود:

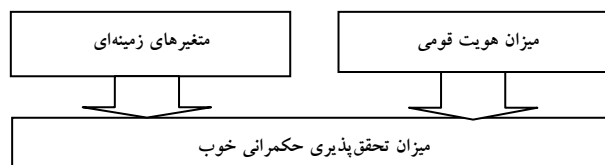
الگوی جامعه‌شناسی سیاسی به رابطه تعیین‌کنندگی سازمان اجتماعی متشکل از نهادها و گروه‌های مختلف اجتماعی با سازمان سیاسی دلالت دارد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۲۰-۱۸). به عبارتی، فرایندها و شاخص‌های حوزه سیاسی برخاسته از علائق و منافع گروه‌های مختلف اجتماعی است. در این تحقیق، حکمرانی خوب همزمان یک پارادایم و یک الگوی جامعه‌شناسی سیاسی در نظر گرفته می‌شود. در این الگو، گروه‌های قومی به عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی که از هویت قومی مشخص برخوردارند در ساخت اجتماعی واقع شده و بر اساس علائق و منافع برخاسته از هویت قومی خود، به ایفای نقش تعیین‌کنندگی در ساخت سیاسی می‌پردازند؛ به طوری که امکان تحلیل و تبیین رابطه بین ساخت اجتماعی با ساخت سیاسی و ارائه گزارش و ارزیابی از وضعیت موجود وجود خواهد داشت.

سؤال اصلی تحقیق

شهروندان آذری شهر تبریز به عنوان یکی از گروه‌های قومی در ایران، میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب را چگونه ارزیابی می‌کنند؟

فرضیه‌های تحقیق

- بین هویت‌پذیری قومی افراد و ارزیابی آنان از میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد و ارزیابی آنان از میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب رابطه وجود دارد.
- میانگین ارزیابی افراد از میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب بر اساس جنسیت افراد متفاوت است.
- بین سن افراد و ارزیابی آنان از میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب رابطه وجود دارد.



شکل شماره (۱): الگوی مفهومی تحقیق

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

حکمرانی خوب

مکارنی و همکاران، حکمرانی را رابطه بین جامعه مدنی و دولت، بین حکمرانان و حکمرانی شوندگان، حکومت و حکومت شوندگان می‌دانند (مکارنی^۱ و همکاران، ۱۹۹۵: ۵). UNDP^۲ «حکمرانی خوب را شامل ساز و کارها، فرایندها و نهادهایی می‌داند که توسط آن شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را مطالبه، تعهدات خود را برآورده و تفاوت‌های خود را تعدیل می‌کنند» (قاضی طباطبائی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۷). حکمرانی خوب در بعد سیاسی به معنی «هدایت مستمر ساختارهای نظام سیاسی با نگاه به ارتقاء و تقویت حوزه عمومی و با هدف نیل به توسعه سیاسی تعریف شده است» (هانتر و شاه^۳، ۱۹۹۳: ۳).

در این تحقیق، حکمرانی خوب در بعد سیاسی به نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها در راستای مدیریت مسائل سیاسی اتلاق می‌شود که خود حاصل فرآیند الگوی روابط تعاملی، عادلانه و برابرخواهانه بین دولت توانمند با جامعه مدنی خواهد بود. لذا در وجه عملیاتی، مفهوم حکمرانی خوب بر اساس شاخصه‌های آن اندازه‌گیری خواهد شد. در مسیر تدوین این شاخص‌ها، ابتدا شاخص‌های احصاء شده از مبانی نظری و پیشینه تحقیق به منظور دستیابی به شاخص‌هایی که در تبیین حکمرانی خوب در جامعه-ای متشکل از گروه قومی آذری از قوت و قدرت بالائی برخوردارند، در قالب پرسشنامه‌ای در اختیار ۳۰ تن از نخبگان دانشگاهی و آشنا به مسائل حوزه قومیت قرار گرفت. نتایج تحلیل و بررسی محتوایی و کمی پرسشنامه‌های مذکور به تدوین شش شاخص عمده به منظور صورت‌بندی حکمرانی خوب منجر شد. میزان تحقق‌پذیری شاخص‌ها در قالب ۲۱ گویه در معرض ارزیابی نمونه آماری قرار گرفت.

جدول شماره (۲): تعریف عملیاتی مفهوم حکمرانی خوب

مفهوم	مؤلفه	شاخص‌ها	تعداد گویه‌ها (میزان تحقق‌پذیری)
حکمرانی خوب	دولت توانمند	شفافیت و گردش آزاد و عادلانه اطلاعات	۳
	الگوی روابط تعاملی، عادلانه و برابر	مشارکت در عرصه‌های مختلف سیاسی	۳
		مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی سیاسی	۵
		اصالت قانون یا قانون‌سالاری	۳
	جامعه مدنی قوی	مهار فساد سیاسی	۴
		تضمین و تکریم حقوق و آزادی‌های سیاسی	۳

^۱. Mccartney

^۲. United Nations Development Program

^۳. Hanther & Shah

هویت قومی

به عقیده الطایی «هویت قومی مجموعه خاصی از عوامل عینی و ذهنی، فرهنگی و اجتماعی، عقیدتی و نفسانی است که در یک گروه انسانی متجلی می‌شود و آن را نسبت به دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد؛ زیرا که این هویت باید با واقعیت همان گروه منطبق باشد» (الطایی، ۱۳۸۲: ۱۵۸). در این تحقیق، صورت‌بندی ابعاد و شاخص‌های هویت قومی، ذیل یک چارچوب نظری تدوین می‌شود.

جدول شماره (۳): تعریف عملیاتی مفهوم هویت قومی برای گروه قومی آذری (مشخصاً تبریز)

مفهوم	شاخص	تعداد گویه
	تاجفل: ۱. تعلق به گروه قومی ۲. آگاهی قومی ۳. رفتار قومی	
	سیف‌اللهی: ۱. روابط اجتماعی قومی ۲. همبستگی قومی (احساس همدردی با خودی‌ها و احساس بیگانگی با دیگران)	
۱۹	اسمیت: ۱. اعتقاد به سرنوشت و تاریخ مشترک، احساس اشتراک در اصل و ریشه، عقیده یا افسانه اجدادی و نیاکانی مشترک ۲. روایت و خاطرات تاریخی - قومی مشترک ۳. جمعیت انسانی با نام مشخص ۴. فرهنگ مشترک (عناصر فرهنگی همچون زبان، مذهب، لباس، غذا، موسیقی، حرفه‌ها، معماری، هم‌چنین مقررات، آداب و رسوم و نهادها) ۵. میزانی از حس منافع و مسئولیت مشترک (تعهد قومی) ۶. پیوند با سرزمین مشخص و معین (سرزمین نیاکان یا وطن)	

پایگاه اقتصادی - اجتماعی

پایگاه اقتصادی - اجتماعی را می‌توان با ترکیبی از دو مفهوم طبقه (بر پایه شرایط اقتصادی) و پایگاه (بر پایه احترام و اعتبار اجتماعی) ماکس وبر مترادف دانست. چنان که میلر می‌گوید «موقعیت اقتصادی - اجتماعی یک شخص بر فرصت‌های تحصیلی، درآمد، شغل، ثروت و حتی انتظارات از زندگی اشاره دارد» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۳۲۷). در این تحقیق، با توجه به ضرورت دست‌یابی به یک مقیاس رتبه‌ای از شغل افراد، از رتبه‌بندی یا منزلت شغلی ارائه شده در تحقیق مشترک هوشنگ نائبی و حمید عبداللهیان (عبداللهیان و نائبی، ۱۳۸۱: ۲۳۶-۲۰۶)، استفاده گردید. پس از آن که هر سه مولفه شغل، تحصیلات و درآمد در سطح رتبه‌ای به دست آمدند، از جمع آنان، پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد مورد مطالعه در مقیاس فاصله‌ای به دست آمد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق مبتنی بر رویکرد کمی از نوع کاربردی و با استفاده از روش پیمایشی می‌باشد. هم‌چنین، به منظور دسترسی به داده‌های مربوط به پیشینه‌های نظری و تجربی تحقیق، روش مطالعه اسنادی به کار رفته است.

جامعه آماری این تحقیق، کلیه شهروندان نقاط شهری تبریز می‌باشد که به جهت سنی در فاصله سنی ۱۸ لغایت ۶۵ سال قرار گرفته‌اند. طبق آخرین سرشماری به سال ۱۳۹۵، این جمعیت معادل ۱/۱۲۰/۳۵۷ نفر می‌باشد. از این تعداد ۵۶۱۶۷۹ نفر مرد و ۵۵۸۶۷۸ نفر را زن تشکیل داده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۳۸۳ نفر به دست آمد. با این حال به منظور غلبه بر برخی پاسخ‌های نادرست و سوگیری ناشی از پاسخگو، حجم نمونه به ارزش ۶۵ نفر افزایش داده شد و به ۴۴۸ نفر رسید. به دلایل متعدد از جمله بزرگ بودن جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای^۱ به عنوان شکلی از روش‌های نمونه‌گیری احتمالی استفاده شد. در این روش پس از تعیین اندازه حجم نمونه، بر اساس تقسیمات شهرداری کلان‌شهر تبریز، نقاط شهری تبریز به ده منطقه جغرافیائی تقسیم شد. همزمان تلاش گردید تا سهم هر یک از مناطق در نمونه، متناسب با حجم نمونه و بر اساس سن، جنس، تاهل و تحصیلات افراد باشد. ابزار اصلی این بخش، پرسشنامه با سئوالات بسته در قالب طیف لیکرت بود. پس از طراحی اولیه پرسشنامه و گذر آن از منظر قضاوت داوران متخصص، آزمون نخستین، در حجم نمونه ۳۰ نفری از جامعه آماری انجام و نتایج با کمک نرم افزار آماری SPSS برای به دست آوردن پایایی (انسجام درونی) پرسشنامه از طریق سنجش مقدار آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهش حاضر، با توجه به این که پرسشنامه به کارگیری شده از نوع محقق ساخته می‌باشد، از اعتبار محتوی^۲ (صوری) برای اتقان اعتبار ابزار اندازه‌گیری استفاده گردید. نهایتاً داده‌های حوزه پیمایش با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل گردیدند.

جدول شماره (۴): ضرایب آلفای کرونباخ برای گویه‌های مربوط به متغیرهای تحقیق

مفهوم	نوع متغیر	تعداد گویه	مقیاس اندازه‌گیری	آلفای کرونباخ
تحقق‌پذیری حکمرانی خوب	وابسته	۲۱	ترتیبی	۰/۹۳
هویت قومی	مستقل	۱۹	ترتیبی	۰/۷۷

یافته‌ها

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۵) ملاحظه می‌شود که لحاظ جنسیت، بیشترین مقدار فراوانی با ۵۵/۶ درصد به مردها، به لحاظ وضعیت تاهل بیشترین مقدار فراوانی با ۶۷/۲ درصد به افراد متاهل، به لحاظ تحصیلات بیشترین مقدار فراوانی با ۳۰/۶ درصد به دیپلمه‌ها و کمترین مقدار فراوانی با ۱/۸ درصد به دارندگان مدرک تحصیلی دکتری، به لحاظ وضعیت اشتغال بیشترین مقدار فراوانی با ۹۴/۴ درصد به شاغلین، به لحاظ گروه‌های مختلف نسلی بیشترین مقدار فراوانی با ۵۰/۲ درصد به نسل جوان و کمترین

^۱. Multi-Stage Sampling

^۲. Content Validity

مقدار فراوانی با ۹/۲ درصد به نسل در آستانه پیری و به لحاظ گروه‌های مختلف شغلی بیشترین مقدار فراوانی با ۲۹/۳ درصد به زنان خانه‌دار و کمترین مقدار فراوانی با ۱/۶ درصد به بخش صنعت و مشاغل وابسته اختصاص دارد.

جدول شماره (۵): توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد مورد مطالعه

درصد			درصد		
متغیر	فراوانی	ابعاد	متغیر	فراوانی	ابعاد
وضعیت اشتغال	۵۵/۶	۲۴۹	مرد	۴۴/۴	۱۹۹
	۱۰۰	۴۴۸	زن	۲۹/۳	۱۲۹
	۱۰۰	۴۴۸	کل	۱۰۰	۴۴۸
وضعیت تاهل	۲۹/۷	۱۳۳	مجرد	۶۷/۲	۳۰۱
	۰/۷	۳	متاهل	۲/۲	۱۰
	۰/۲	۱	مطلقه	۰/۲	۱
	۰/۲	۱	همسر فوت شده	۰/۲	۱
	۱۰۰	۴۴۸	متارکه	۱۰۰	۴۴۸
	۱۰۰	۴۴۸	کل	۱۰۰	۴۴۸
میزان تحصیلات	۲۵/۹	۱۱۶	زیردیپلم	۳۰/۶	۱۳۷
	۹/۲	۴۱	دیپلم	۲۲/۱	۹۹
	۱۰/۵	۴۷	فوق دیپلم	۱/۸	۸
	۱۰۰	۴۴۸	لیسانس	۱۰۰	۴۴۸
	۱۰۰	۴۴۸	فوق لیسانس	۱۰۰	۴۴۸
	۵/۶	۲۵	دکتری	۵/۶	۲۵
	۹۴/۴	۴۲۲	کل	۹۴/۴	۴۲۲
	۱	۱	بیکار	۱	۱
	۴۴۸	۴۴۸	شاغل	۴۴۸	۴۴۸
	۴۴۸	۴۴۸	بدون پاسخ	۴۴۸	۴۴۸
۴۴۸	۴۴۸	کل	۴۴۸	۴۴۸	
گروه‌های نسلی	۵۰/۲	۲۲۵	نسل جوان (۱۸ تا ۳۴ سال)	۴۰/۶	۱۸۲
	۹/۲	۴۱	نسل میانسال (۳۵ تا ۵۵ سال)	۱۰۰	۴۴۸
	۱۰۰	۴۴۸	نسل آستانه پیری (۳۶ تا ۶۵ سال)	۱۰۰	۴۴۸
	۱۰۰	۴۴۸	کل	۱۰۰	۴۴۸
	۳۶/۳	۱۶۳	میانگین سنی افراد = ۳۶/۳	۳۶/۳	۱۶۳
	۶/۳	۲۸	کارکنان مشاغل علمی و تخصصی	۱۳/۹	۶۲
	۱۰/۷	۴۸	کارکنان مشاغل دفتری و اداری	۱/۶	۷
	۹/۸	۴۴	کارکنان بازرگانی و فروشندگان کارکنان امور خدماتی	۲	۹
	۱۰/۷	۴۸	صنعت و مشاغل وابسته	۱۰/۷	۴۸
	۴	۱۸	کارگران ساده	۲۹/۳	۱۳۱
۹۴/۴	۴۲۲	کارکنان بخش حمل و نقل محصل و دانشجو	۹۴/۴	۴۲۲	
۹۴/۴	۴۲۲	بازنشسته	۹۴/۴	۴۲۲	
۹۴/۴	۴۲۲	خانه‌دار	۹۴/۴	۴۲۲	
۹۴/۴	۴۲۲	کل	۹۴/۴	۴۲۲	

میزان تحقق پذیری حکمرانی خوب

بر اساس اطلاعات به دست آمده از طریق جدول شماره (۶) ملاحظه می‌شود متوسط نمره تحقق پذیری حکمرانی خوب ۷۴/۸۵ با انحراف استاندارد ۲۲/۰۱ می‌باشد؛ به طوری که حداقل نمره تحقق پذیری حکمرانی خوب ۳۰ و حداکثر آن ۱۲۶ می‌باشد. ضریب کجی مثبت بوده مقدار آن برابر با ۰/۱

است و نشان می‌دهد کجی به سمت راست بوده و اکثر افراد مورد مطالعه به لحاظ نمره تحقق‌پذیری حکمرانی خوب پایین‌تر از میانگین قرار دارند. ضریب کشیدگی برابر با $0/89-$ می‌باشد که بیانگر نموداری با اوج کوتاه و دنباله‌های پهن است. به عبارتی افراد به طور غالب از نظر ارزیابی میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب با یکدیگر اختلاف دارند.

جدول شماره (۶): توزیع پراکندگی شاخص تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در میان افراد مورد مطالعه

تعداد	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین	انحراف	ضریب	ضریب کشیدگی
۴۴۸	۳۰	۱۲۶	۷۴/۸۵	۲۲/۰۱	۰/۱	-۰/۸۹

اگر سطوح تحقق‌پذیری حکمرانی خوب را در سه سطح تحقق یافته، تا حدودی تحقق یافته و تحقق نیافته در نظر بگیریم، بر اساس جدول شماره (۷)، $42/6$ درصد از افراد مورد مطالعه با بیشترین مقدار فراوانی معتقدند که حکمرانی خوب در برخی حوزه‌ها تحقق یافته و در برخی حوزه‌های دیگر هنوز تحقق نیافته است. $26/5$ درصد از افراد مورد مطالعه با کمترین مقدار فراوانی بر این اعتقادند که حکمرانی خوب کاملاً تحقق یافته است.

جدول شماره (۷): فراوانی میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در بعد سیاسی

درصد تجمعی	درصد معتبر	فراوانی	میزان تحقق‌پذیری
۰/۴	۲۶/۵	۱۳۸	تحقق یافته
۷۳/۴	۴۲/۶	۱۹۱	تا حدودی تحقق یافته
۱۰۰	۳۰/۸	۱۱۹	تحقق نیافته
		۴۴۸	کل

آزمون فریدمن برای مقایسه رتبه‌های شاخص‌های حکمرانی خوب

میانگین رتبه‌های شاخص‌های حکمرانی خوب از حیث میزان تحقق‌پذیری در جدول شماره (۸) ارائه شده است. بر اساس نتایج این جدول، بیشترین میزان تحقق‌پذیری با میانگین رتبه $5/34$ ، به شاخص مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی سیاسی تعلق دارد. اصالت قانون یا قانون‌سالاری با میانگین رتبه $2/33$ شاخصی است که از منظر افراد مورد مطالعه در کمترین وضعیت تحقق‌پذیری واقع شده است. نتایج جدول شماره (۹) نیز نشان می‌دهد که آزمون فریدمن با مقدار کای اسکویر $745/183$ و سطح معنی‌داری (Sig=0.000) در سطح یک درصد خطا (یا با اطمینان ۹۹ درصد) معنی‌دار است و می‌توان نتیجه گرفت

که تفاوت معنی‌داری بین ارزیابی افراد مورد مطالعه از میزان تحقق‌پذیری شاخص‌های حکمرانی خوب وجود دارد.

جدول شماره (۸): میانگین رتبه‌های شاخص‌های حکمرانی خوب

میانگین رتبه	شاخص‌های حکمرانی خوب
۵/۳۴	مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی سیاسی
۳/۹۵	مهار فساد سیاسی
۳/۳۰	مشارکت در عرصه‌های مختلف سیاسی
۳/۱۲	شفافیت و گردش آزاد و عادلانه اطلاعات
۲/۹۶	تضمین و تکریم حقوق و آزادی‌های سیاسی
۲/۳۳	اصالت قانون یا قانون‌سالاری

جدول شماره (۹): نتایج آزمون فریدمن و سطح معنی‌داری

تعداد کل	کای اسکویر	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۴۴۸	۷۴۵/۱۸۳	۵	۰/۰۰۰

میزان هویت‌پذیری قومی افراد مورد مطالعه

بر اساس اطلاعات به دست آمده از توزیع پراکندگی نمره هویت قومی افراد مورد مطالعه، متوسط هویت قومی افراد ۷۴/۸۶ با انحراف استاندارد ۱۰/۶۵ می‌باشد؛ به طوری که حداقل نمره هویت قومی ۴۱ و حداکثر آن ۹۵ است. ضریب کجی منفی، مقدار آن برابر با ۰/۳۵- بوده و نشان می‌دهد کجی به سمت چپ بوده و اکثر افراد مورد مطالعه به لحاظ نمره هویت قومی بالاتر از میانگین قرار دارند. ضریب کشیدگی برابر با ۰/۱۴- می‌باشد که بیانگر نموداری با اوج کوتاه یا پخ و دنباله‌های بلند است.

جدول شماره (۱۰): توزیع پراکندگی نمره هویت قومی افراد مورد مطالعه

تعداد	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین	انحراف	ضریب	ضریب
	هویت قومی	هویت قومی		استاندارد	کجی	کشیدگی
۴۴۸	۴۱	۹۵	۷۴/۸۶	۱۰/۶۵	-۰/۳۵	-۰/۱۴

برای آزمون فرضیه اول، از آن جا که هر دو متغیر در مقیاس فاصله‌ای (کمی) سنجیده شده و نرمال می‌باشند، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. بر اساس نتایج جدول ذیل ملاحظه می‌شود مقدار ضریب همبستگی برابر با $r = -0/36$ با $p = 0/000$ به دست آمده است. از آن جا که سطح معنی‌داری از ۰/۰۱ کمتر است می‌توان ادعا کرد که بین میزان هویت‌پذیری قومی افراد و ارزیابی آنان از میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب با اطمینان ۹۹ درصد همبستگی معنی‌دار و معکوس وجود دارد.

جدول شماره (۱۱): ضریب همبستگی پیرسون بین هویت‌پذیری قومی و تحقق‌پذیری حکمرانی خوب

متغیر وابسته	تحقق‌پذیری حکمرانی خوب	توزیع همبستگی
متغیر مستقل		
	همبستگی پیرسون	-۰/۳۶۴
هویت قومی	سطح معنی‌داری (دو دامنه)	۰/۰۰۰
	تعداد کل	۴۴۸

در فرضیه دوم، از آن جا که هر دو متغیر کمی در نظر گرفته شده‌اند؛ از ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه بین آن دو استفاده گردید. بر اساس نتایج جدول ذیل ملاحظه می‌شود که ارتباط بین متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و متغیر ارزیابی افراد از میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب با مقدار ضریب همبستگی برابر با $r = -0/149$ در سطح خطای یک درصد (با اطمینان ۹۹ درصد) و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ تایید شده است. این ارتباط معنی‌دار و معکوس است.

جدول شماره (۱۲): ضریب همبستگی پیرسون بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و تحقق‌پذیری حکمرانی خوب

متغیر وابسته	تحقق‌پذیری حکمرانی خوب	توزیع همبستگی
متغیر زمینه‌ای		
	همبستگی پیرسون	-۰/۱۴۹
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	سطح معنی‌داری (دو دامنه)	۰/۰۰۲
	تعداد کل	۴۴۸

در فرضیه سوم، از آن جا که از دو متغیر وارده یک کمی و دیگری کیفی دو حالت می‌باشد، از آزمون-های تفاوت میانگین شامل t-test استفاده می‌شود. طبق جدول شماره (۱۳) ملاحظه گردید که میانگین نمره تحقق‌پذیری حکمرانی خوب نزد مردان $73/77$ با انحراف استاندارد $21/39$ و این نمره نزد زنان $76/18$ با انحراف استاندارد $22/75$ به دست آمده است. طبق جدول شماره (۱۴) با توجه به معنی‌دار نبودن آزمون لون و برابر بودن واریانس‌ها، مقدار $t = 1/15$ و $p = 0/25$ نتیجه می‌شود آزمون t معنی‌دار نبوده و اختلاف نمره‌های تحقق‌پذیری حکمرانی خوب بر اساس جنسیت معنی‌دار نمی‌باشد.

جدول شماره (۱۳): مقایسه میانگین نمره‌های تحقق‌پذیری حکمرانی خوب بر اساس جنسیت

خطای معیار میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنسیت	متغیر در حال مقایسه
۱/۳۵	۲۱/۳۹	۷۳/۷۷	۲۴۹	مرد	تحقق‌پذیری حکمرانی خوب
۱/۶۱	۲۲/۷۵	۷۶/۱۸	۱۹۹	زن	

تحقق‌پذیری حکمرانی خوب	آزمون t برای برابری میانگین‌ها		آزمون t برای برابری واریانس‌های برابر			
	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی-داری	تفاوت میانگین بین مردان و زنان	اشتباه معیار تفاوت دو میانگین	مقدار F
فرض واریانس‌های برابر	-۱/۱۵۰	۴۴۶	۰/۲۵۱	-۲/۴۰	۲/۰۹	۱/۱۷۴
فرض واریانس‌های نابرابر	-۱/۱۴۲	۴۱۲/۳۰	۰/۲۵۴	-۲/۴۰	۲/۱۰	۰/۲۷۹

در فرضیه چهارم، بر اساس نتایج جدول شماره (۱۵) ملاحظه می‌شود که ارتباط بین متغیرها تایید نشده است. بر این اساس مقدار ضریب همبستگی برابر با $r = -0/25$ با سطح معنی‌داری $p = 0/602$ به دست آمده است. از آن جا که سطح معنی‌داری از $0/05$ بیشتر است می‌توان ادعا کرد که بین سن افراد مورد مطالعه و میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب، همبستگی معنی‌دار وجود ندارد.

متغیر وابسته	تحقق‌پذیری حکمرانی خوب	توزیع همبستگی
متغیر زمینه‌ای		
سن	-۰/۲۵۰	همبستگی پیرسون
	۰/۶۰۲	سطح معنی‌داری (دو دامنه)
	۴۴۸	تعداد کل

بحث و نتیجه‌گیری

نظریه حکمرانی خوب به جهت ارائه نقش به جامعه مدنی در سیاست‌نوسازی، توانایی در خروج از چمبره نظریه‌های تک خطی توسعه، ظرفیت تشخیص شاخص‌های آن، توجه به رابطه تعاملی بین نهاد قدرت و گروه‌های اجتماعی، توان‌مندسازی جوامع در حال توسعه، ارتقاء توان دولت، توجه به اراده مردمی در صورت‌بندی الگوی توسعه و مرتفع ساختن سنگینی نهاد قدرت، در مقام ساز و کار یک توسعه‌موزون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بحث مبنائی، این نظریه در بعد اقتصادی به سمت اقتصاد سرمایه-داری، در بعد سیاسی به سمت لیبرال دموکراسی، در بعد فرهنگی به سمت تقویت انسان‌گرایی حرکت می‌کند. حکمرانی خوب در مبنائی فلسفی خود، در هستی‌شناختی به اصالت فرد، در انسان‌شناختی به اصالت انسان و در معرفت‌شناختی به اصالت حواس اعتقاد دارد. در این تحقیق، پس از پذیرش بنائی نظریه، شاخص‌های شکل‌دهنده حکمرانی خوب در شش عنوان، ملازم با شرایط و ویژگی‌های جامعه آملی و از طریق مراجعه به نخبگان شناسائی گردید و پاسخ به سؤال اصلی و آزمون فرضیات در دستور کار قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق نشان داد اکثر افراد مورد مطالعه به لحاظ نمره‌ای که در مقام ارزیابی به میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب ارائه داده‌اند؛ پایین‌تر از میانگین قرار دارند. قریب به نصف افراد مورد مطالعه معتقدند شاخص‌های حکمرانی خوب در بعد سیاسی، در برخی موارد تحقق یافته و در برخی موارد دیگر تحقق نیافته است. قریب به یک سوم از پاسخگویان اعتقاد دارند اساساً این شاخص‌ها هنوز تحقق نیافته است. تقریباً به همین میزان نیز بر تحقق کامل حکمرانی خوب تأکید دارند.

از منظر افراد مورد مطالعه، شاخص «مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی سیاسی» در میان شش شاخص شکل دهنده حکمرانی خوب، به طور نسبی به جهت تحقق‌پذیری از شرایط بهتری برخوردار است. این شاخص با یک شکاف میانگین قابل توجه از دیگر شاخص‌ها واقع شده است. علاقه مسئولین سیاسی کشور برای گزارش‌دهی به مردم در مورد اقدامات و عملکرد خود، گوش شنوای دولت در راستای نیازها و خواست‌های قوم آذری و ارائه پاسخ مناسب برای آن‌ها، نبود محدودیت و مانع جدی در مسیر انتقاد و پرسش از دستگاه‌ها و مسئولین سیاسی در کشور، از جمله مولفه‌های این شاخص به شمار می‌روند.

در این میان بیشترین نارضایتی پاسخگویان و در واقع بیشترین وجه عدم تحقق حکمرانی خوب از منظر گروه قومی آذری (به طور موردی شهروندان آذری شهر تبریز)، مربوط به «خدشه‌دار شدن اساسی اصالت قانون یا حاکمیت قانون» می‌باشد. شاخص «اصالت قانون یا قانون‌سالاری» به التزام همگانی اعم از شهروندان و کارگزاران نظام سیاسی به انطباق رفتار خود با مقررات الزام‌آور و احترام عملی آنان به نهادهائی است که برای وضع، اجرا و حل اختلافات تاسیس شده‌اند. اعتماد مردم به قانون، حفظ حریم‌های شخصی، پیش‌بینی‌پذیر بودن رفتار دستگاه قضائی، احتمال موفقیت در شکایات علیه دولت از جمله مولفه‌های سنجش این شاخص می‌باشد. کارگزاران سیاسی بایستی رفتار متأثر از قانون را بپذیرند و از تفسیر آن مطابق میل خود پرهیز نمایند. دستگاه قضائی بیش از دیگر ارکان حکومت ضامن اجرای قانون در کشور است؛ لذا بایستی استقلال آن و عدم وابستگی آن به دیگر قوا و گروه‌ها و جریانات سیاسی حفظ شود. ضعف در «تضمین و تکریم حقوق و آزادی‌های سیاسی» شاخص دیگری است که در کانون ارزیابی شهروندان آذری شهر تبریز به عنوان وجهی از عدم تحقق‌پذیری حکمرانی خوب مطرح شده است. آزادی قوم آذری در ابراز عقیده و اظهار نظر، آزادی برگزاری اجتماعات، گردهمائی‌ها و فعالیت گروه‌ها و احزاب قومی، فعالیت رسانه و مطبوعات آذری به عنوان صدای گویای آذربایجان، از جمله مولفه‌های مهم این شاخص به شمار می‌آیند.

یافته‌های استنباطی تحقیق نشان داد بین میزان هویت قومی افراد مورد مطالعه و ارزیابی آنان از میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب یک رابطه معنی‌دار از نوع همبستگی و در جهت معکوس وجود دارد. این بدان معنی است که با شدت گرفتن میزان هویت قومی افراد، نمره ارزیابی آنان به میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب پایین می‌آید. در واقع، هر چه بر میزان هویت قومی افراد اضافه می‌گردد، رضایت‌مندی آنان از شرایط حاکم بر روابط تعاملی بین دولت و جامعه مدنی مشتمل بر شاخص‌های ششگانه تحقیق،

کاهش پیدا می‌کند. لذا فرضیه اول تایید می‌گردد. همان‌گونه که عنوان شد؛ این ارزیابی منفی به ترتیب در شاخص‌های «اصالت قانون یا قانون‌سالاری» و «تضمین و تکریم حقوق و آزادی‌های سیاسی» بیشترین نمود را دارد. این موضوع علاوه بر دلالت بر افزایش آگاهی قومی و توانمند شدن عناصر هویت قومی و تاثیر آن در سخت شدن ارزیابی اعضای گروه قومی از شاخص‌های حکمرانی خوب، اساساً به قرابت انتخابی بین عناصر قومی و مولفه‌های شکل‌دهنده شاخص‌های مذکور اشاره دارد. به عبارت دیگر، غلظت عناصر قومی در دو شاخص مذکور باعث گردیده تا حساسیت قومی در ارتباط با آن‌ها بالا باشد. نتیجه آزمون فرضیه دوم نیز موید تایید رابطه معنی‌دار از نوع همبستگی و معکوس بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد مورد مطالعه و ارزیابی آنان از میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب می‌باشد. در واقع، افراد با پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالا، نمره پایینی به میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب داده‌اند. به نظر می‌رسد همزمان با ارتقاء سطح پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد، در واقع جمع‌جبری تحصیلات، رتبه شغلی و درآمد ارتقاء پیدا می‌کند. این موضوع سطح مواجهه افراد با مقوله‌های آگاهی‌ساز را افزایش داده و توقعات آن‌ها را از شیوه حکمرانی بالا می‌برد؛ به طوری که آستانه رضایت‌مندی آنان بالا می‌رود. فرضیه‌های سوم و چهارم تحقیق تایید نشدند. آزمون این فرضیات نشان داد اساساً افراد مورد مطالعه در مقام ارزیابی از میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب، به لحاظ سن و جنسیت از همدیگر متمایز نیستند. با توجه به نتایج حاصله از تحقیق حاضر، راهکارهای ذیل جهت میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب، پیشنهاد می‌گردد:

اول: کنارگذاشتن فهم ایدئولوژیک از مفهوم توسعه

همان‌طور که نتایج تحقیق از شهروندان آذری نشان داد؛ اغلب پاسخ‌دهندگان معتقدند حکمرانی خوب در برخی زمینه‌ها تحقق یافته و در برخی زمینه‌های دیگر تحقق نیافته است. به عبارت دیگر غالب پاسخ‌دهندگان بر این باورند که به خاطر عملکرد نامتوازن حاکمیت در تحقق شاخص‌های اصلی حکمرانی خوب و در نتیجه آهنگ ناموزون توسعه در ایران، نمی‌توان به این سؤال پاسخ قطعی داد. اما بایستی پرسشی بنیادی‌تر را پی‌گرفت که علت یا دلیل اصلی این ناموزونی چیست؟ به نظر می‌رسد مسئله در فهم ایدئولوژیک نظم سیاسی موجود از مفهوم توسعه نهفته است. فهم ایدئولوژیک مقوله توسعه ریشه در توهمی مضاعف دارد؛ این که اولاً ما مفهوم توسعه در غرب را شناخته‌ایم؛ ثانیاً براساس شناخت‌مان از مفهوم توسعه در غرب، به‌گزینش بخش‌هایی از آن متناسب با نیازهای مان و طرد بخش‌های نامتناسب- اش دست یافته‌ایم. تا زمانی که نظم سیاسی موجود از سیطره این فهم ایدئولوژیک رها نشود؛ توان بازاندیشی و ارتقای رضایت‌مندی عمومی از وضعیت حکمرانی خوب را نخواهد داشت.

دوم: اصلاح ساختار مدیریت کلان سیاسی کشور

به نظر می‌رسد ایجاد حس قانون‌گرایی بیشتر در مدیریت خرد، احترام به حقوق و آزادی‌های سیاسی و دیگر شاخص‌های شکل‌دهنده حکمرانی خوب، اساساً مبتنی بر اصلاح ساختار مدیریت کلان

سیاسی کشور باشد. ساختار مدیریت کلان سیاسی کشور همزمان دچار سه بیماری مزمن مشتمل بر عدم استقلال کامل قوای سه‌گانه، موازی‌کاری نهادهای انتصابی و انتخابی، و فریبی بروکراتیک است. قوه قضائیه مستقل به ویژه می‌تواند ضامن بقای دموکراسی حداکثری، جامعه مدنی و توسعه سیاسی باشد.

سوم: تقویت هویت قومی به مثابه یک فرصت

مرور تحقیقات قبلی در ارتباط با هویت قومی، بر بالا بودن میزان هویت قومی در میان قوم آذری و تشدید آن در بستر زمان دلالت دارد. یافته‌های تحقیق حاضر نیز منطبق بر همین پیشینه هست. با این حال غالب این تحقیقات بر هم‌تغییری مثبت و مستقیم هویت قومی به ویژه با هویت ملی تاکید دارند. لازمه مدیریت مطالبات قومی و حل مشکلات مردم منطقه، تمسک به راهبرد ارتقاء سطح شاخص‌های حکمرانی خوب از طریق تقویت هویت قومی به مثابه یک فرصت می‌باشد.

منابع

- آرانی، وحید. (۱۳۸۸). **حکمرانی خوب الگوی جدید در سیاست‌گذاری**. www.aftab.com
- احمدی‌پور، زهرا؛ حیدری موصولو، طهمورث؛ و حیدری موصولو، طیبه. (۱۳۸۹). تحلیل قومیت و هویت قومی پایدار در ایران؛ جهت امنیت پایدار، **فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی**. سال دوم. شماره اول، صص ۶۲-۳۵.
- اسمیت، آنتونی. (۱۳۷۷). **ناسیونالیسم (نظریه، ایدئولوژی، تاریخ)**. ترجمه: منصور، انصاری. تهران: مطالعات ملی.
- افتخاری، عبدالرضا؛ عظیمی آملی، جلال؛ پورطاهری، مهدی و احمدی‌پور، زهرا. (۱۳۹۱). ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران، **فصلنامه ژئوپلیتیک**. سال هشتم. شماره دوم، صص ۲۸-۱.
- الطائی، علی. (۱۳۸۲). **بحران‌های قومی در ایران**. تهران: نشر شادگان.
- الوانی، سیدمهدی؛ و علیزاده ثانی، محسن. (۱۳۸۷). تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران، **فصلنامه مطالعات مدیریت**. شماره ۵۳.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۵). **جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی**. تهران: نشر نی.
- جلائی‌پور، حمیدرضا. (۱۳۹۵). **نشست میراث اصلاحات؛ تاملی بر تجربه توسعه سیاسی در دوران اصلاحات**. سخنرانی در تاریخ ۹۵/۱۲/۹، دانشگاه تهران. www.asriran.com
- جاسی، جواد؛ و نفری، ندا. (۱۳۸۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز، **فصلنامه علوم مدیریت ایران**. سال چهارم. شماره ۱۶، صص ۱۱۷-۸۵.
- رهنورد، فرج‌الله؛ و عباسپور، باقر. (۱۳۸۶). حاکمیت خوب و امکان پیاده‌سازی آن در ایران، **فصلنامه مدیریت**. شماره ۵۵، صص ۳۸-۲۵.
- رزمی، محمدجواد؛ صدیقی، سمیه؛ و رضائیان، سمانه. (۱۳۹۴). الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی، **دو فصلنامه علمی تخصصی پژوهش‌های اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی**. سال ۴. شماره ۲، صص ۷۵-۵۱.
- زارعی، محمدحسین. (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، **مجله تحقیقات حقوقی**. شماره ۴۰.
- زهیری، علیرضا. (۱۳۹۴). نسبت‌سنجی بوم‌شناسانه الگوی حکمرانی خوب، **فصلنامه علوم سیاسی**. شماره ۶۶، صص ۱۱۱-۸۷.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). **درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی**. تهران: نشر کیهان.
- سردارنیا، خ. (۱۳۸۸). اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب، **اطلاعات سیاسی اجتماعی**. شماره ۲۶۰، صص ۱۴۵-۱۳۲.
- سه‌گانه، مهرداد. (۱۳۹۴). **ارزیابی وضعیت حکمرانی خوب در نظام اداری ایران از منظر نخبگان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- سیفاللهی، سیفالله. (۱۳۹۵). **مبانی جامعه‌شناسی**. تهران: انتشارات جامعه‌پژوهان سینا. چاپ چهارم.
- سیفاللهی، سیفالله. (۱۳۹۵). **اقتصاد سیاسی ایران**. تهران: انتشارات جامعه‌پژوهان سینا. چاپ چهارم.
- صباغ، صمد؛ شالفروش، آرزو. (۱۳۸۷). مطالعه و بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش‌آموزان متوسطه و عوامل مرتبط با آن، **مجله جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز**. سال اول، شماره ۱.
- عبداللهیان، حمید؛ نایی، هوشنگ. (۱۳۸۱). تبیین قشربندی اجتماعی، **نامه علوم اجتماعی**. شماره ۲۰.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۶). **آشنائی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی**. تهران: نشر نی.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۹). **همسازی و تعارض در هویت و قومیت**. تهران: گل‌آذین.
- قلی‌پور، رحمتا... (۱۳۸۳). تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نقش دولت، **دانش مدیریت**. شماره ۶۷، صص ۱۱۱-۸۵.
- قلی‌پور، رحمتا... (۱۳۸۷). **حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت**. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- قاضی طباطبائی، محمود؛ نصرتی، روح‌اله؛ و کاظمی، علی. (۱۳۹۱). ارزیابی الگوی نظری حکمرانی خوب در تبیین وضعیت توسعه انسانی، **فصلنامه توسعه روستائی**. دوره چهارم، شماره اول.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). **جامعه‌شناسی**. ترجمه: منوچهر، صبوری. تهران: نشر نی.
- میدری، احمد؛ و خیرخواهان، جعفر. (۱۳۸۳). **حکمرانی خوب بنیان توسعه**. تهران: دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- میدری، احمد. (۱۳۸۲). **حکمرانی خوب**، مروری بر پایان‌نامه دکتری اقتصاد، **فصلنامه مطالعه و بررسی‌های بازرگانی**. شماره چهارم، صص ۱۴۹-۱۴۴.
- مهرمند، احد؛ اشرفی سلطان احمدی، حسین؛ عزیزی‌نژاد، بهاره؛ و ماندگار، علی. (۱۳۸۸). مطالعه و بررسی جامعه‌شناختی میزان رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان آذری زبان شهر ارومیه، **فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی**. صص ۱۲۰-۸۹.
- نادری، محمدمهدی. (۱۳۹۰). **حکمرانی خوب: معرفی و نقد اجمالی، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی**. سال اول، شماره اول، صص ۹۳-۶۳.
- هداوند، مهدی. (۱۳۸۴). **حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر، نشریه حقوق اساسی**. سال سوم، شماره چهارم، صص ۸۶-۵۱.
- Hanther, Jeff and Shah, Anwar. (1998). **World Bank, Applying a Simple Measure of Good Governance to the Debate on Fisical Deceptualising**.
- Mccartney, p & others. (1995). **Towards and Understanding of Governance**. The Emergency of and Idia and its Implications for urban research in developing countries, university of Toronto.
- Turner, John, C. (1999). **Some current issues in research on social identity and self categorization theory**. London :Blackwell Publishers